

احکام پوشش در حضور اجتماعی زنان

لیلا رستگار مقدم*

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مقررات روابط اجتماعی زنان با مردان از نظر قرآن و سنت است. این پژوهش به روش توصیفی-استدلالی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اسلام، مقررات و قوانینی برای شرکت در اجتماع وضع کرده است که رعایت آنها الزامی است. یکی از این دستورالعمل‌ها، پوشش است. زن به غیر از وجه و کفین، باید بدن خود را از نامحرم بپوشاند و بدون ضرورت، از حضور در محیط‌های مختلط بپرهیزد و از خلوت کردن با نامحرم اجتناب کند.

کلیدواژه: حضور اجتماعی، عفت، حیا، حریص، زن، مرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه، رشته فقه و اصول.

مقدمه

با توجه به اینکه اسلام، برای حضور زن در اجتماع منعی قرار نداده، آیا برای این حضور، شرایط و آدابی مقرر کرده، یا مانند کشورهای غیراسلامی، شرایط ویژه‌ای برای حضور زنان و ارتباط آنان با مردان وجود ندارد؟

بدون شک نظر اسلام درباره حضور زن در جامعه، حضور سالم است، نه هر حضوری. اسلام می‌کوشد ناهنجاری‌ها و نارسایی‌های اجتماع را با برنامه‌ریزی اصلاح کند. اگر حضور آنان در اجتماع بدون قید و شرط باشد، تمایلات جنسی زن و مرد و کشش هر یک به سوی دیگری، مشکل‌ساز می‌شود. انسان، نیازهای متعددی دارد و این نیازهای متنوع و متعدد، او را به زندگی اجتماعی سوق می‌دهد. آموزه‌هایی که از طرف خداوند متعال صادر شده است، همگی برای پاسخ‌گویی به این نیازها است.

حضور بدون قید و شرط، نه فقط موجب پیشرفت زنان در میدان‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نمی‌شود، بلکه کرامت انسانی و شخصیت آنها را نیز به یغما می‌برد و آنان را طعمه هوس‌بازان و شهوت‌پرستان می‌کند و به خاک ذلت می‌کشانند. برای پیشگیری از آسیب‌هایی که در اجتماع برای زنان وجود دارد، چاره‌ای جز وضع قوانین حمایتی نیست تا امنیت زنان را در بعد مادی و معنوی تأمین کند. در ادامه، به برخی از این شرایط و مقررات اشاره می‌شود.

۱. پوشش

پوشش از دیرباز توجه اندیشمندان شرق و غرب را به خود معطوف کرده است. نتیجه این توجه، گروه‌های مخالف و موافق پوشش زنان را رقم زده است. لزوم پوشیدگی زنان از سن تکلیف، دستور مهم دین اسلام است و زنانی که پوشش را رعایت نکنند، حق ورود به جامعه ندارند. دستورها و احکام اسلامی، برای پاسخ‌گویی به نیازهای انسان است و پوشش نیز در همین راستا است. انسان، چه زن و چه مرد در سالم‌سازی جامعه باید کوشا باشد، ولی مسئولیت زنان در این مسیر، مهم‌تر است. دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی، بی‌بندوباری و آزادی روابط زن و مرد را اساس فعالیت‌های خود دانستند و به بهانه «کنوانسیون رفع تبعیض



علیه زنان» کوشیدند مانع حجاب و پوشیدگی زنان شوند و پوشش را محدودیت معرفی و آن را محکوم نمایند.

اسلام با طرح پوشش برای زنان، جواز حضور آنان را در اجتماع امضا کرد و با دستورات حکیمانه خود، هم از تباه شدن نیمی از افراد اجتماع جلوگیری کرد و هم مانع ناهنجاری‌های روابط آزاد زن و مرد شد. حاضر شدن زن در اجتماع با اندامی بدون پوشش، به ویژه اگر با آرایش و پیرایه نیز همراه باشد، هیجان‌بار و هوس‌آفرین و مشکل‌ساز می‌شود.

اکنون این بحث مطرح می‌شود که حدود این پوشش، چه مقدار و چگونه است؟ پیش از بررسی نحوه پوشش زن در اجتماع از دیدگاه قرآن و سنت، ابتدا فلسفه پوشش بیان می‌شود که معلوم گردد پوشش چه فوایدی دارد و اگر پوشش رعایت نشود چه اتفاقی می‌افتد. دانشمندان علم اصول معتقدند احکام تکلیفی اسلامی، برای رعایت مصلحت یا دفع مفسده‌ای وضع شده‌اند. (صدر، ۱۴۱۲، ۲/۲۴)

خداوند حکیم هیچ حکمی را به حد وجوب نمی‌رساند، مگر اینکه مصلحتی در آن وجود داشته باشد و هیچ حکمی را حرام نمی‌کند مگر اینکه مفسده‌ای به دنبال داشته باشد. در احکام مستحب و مکروه نیز این مصلحت و مفسده وجود دارد، ولی خفیف است و به حد وجوب یا حرمت نمی‌رسد. بنابراین وجوب حجاب که حکم قطعی و ضروری اسلام است، بدون مصلحت نیست. اگرچه حکمت و مصلحت وضع بسیاری از احکام برای ما پوشیده است، ولی پوشش و حجاب چون از مسایل جاری جامعه اسلامی بوده، درباره آن مطالب فراوانی در آیات و روایات آمده است که به برخی از فواید و فلسفه پوشش اشاره می‌شود.

الف) محفوظ ماندن زن از ناامنی اجتماعی

یکی از مصلحت‌های وجوب پوشش برای بانوان، حفظ امنیت اجتماعی است. پوشش برای زنان، امنیت می‌آورد؛ زیرا برهنگی و حضور در جامعه با آرایش و عشوهری، موجب تحریک جنسی مردان، به ویژه جوانان می‌شود. در نتیجه زنان از مزاحمت‌های خیابانی در امان نیستند که گاهی نیز منجر به تجاوز جنسی و تباه شدن این نیروی عظیم می‌شود. این مسئله در کشورهای غیراسلامی و نیز در جوامعی که زنان به زینت حجاب آراسته نیستند،

بیشتر دیده می‌شود. وضعیت زننده دختران و زنان غربی موجب شده که زنان از سویی، از امنیت اجتماعی برخوردار نباشند و از سوی دیگر، موجب فساد و آلودگی اجتماع و جوانان شوند. مردان نیز در رویارویی با زنان بی‌حجاب یا بدحجاب، تحریک می‌شوند و به انواع بیماری‌های روانی مبتلا می‌شوند؛ زیرا امکان ازدواج برای همه فراهم نیست. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَ يَؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. (احزاب: ۵۹)

هان ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمن بگو تا جلباب خود پیش کشند. بدین وسیله بهتر معلوم می‌شود که زن، مسلمان است. در نتیجه اذیت نمی‌شوند و خدا همواره آمرزنده رحیم است.

در این آیه، خداوند می‌گوید استفاده زنان از پوشش مناسب، آنان را از آزار مردان هرزه مصون می‌دارد.

ب) محفوظ ماندن حریم خانواده

با بررسی آمار، درمی‌یابیم که علت برخی از طلاق‌ها و جدایی‌ها، نداشتن پوشش مناسب زنان است. مردی که در اجتماع با زنان جذابی روبه‌رو می‌شود که با آرایش‌های گوناگون، زیبایی‌های خود را آشکار می‌کنند و او بدون هیچ محدودیتی آنان را می‌بیند، در بازگشت به منزل، نسبت به همسر خود بی‌علاقه و بی‌تفاوت می‌شود و به تدریج، کانون گرم خانواده از هم گسسته می‌شود؛ ابتدا طلاق عاطفی و سپس طلاق واقعی.

در بازار آزاد برهنگی، زندگی زناشویی قداست و پاکی خود را از دست می‌دهد؛ زیرا هر روز مردی در دام زنی و زنی در دام مردی گرفتار می‌شود. بی‌بندوباری موجب می‌شود جوانان، تن به ازدواج ندهند و ازدواج را محرومیت بدانند. جوانی که می‌بیند بدون داشتن مسئولیت زندگی می‌تواند به لذت‌های جنسی برسد، از ازدواج گریزان می‌شود.

اختصاص یافتن استمتاعات و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر دو جنس به یکدیگر می‌گردد. سیستم روابط آزاد، اولاً موجب می‌شود که پسران

تا جایی که ممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سرباز زنند و فقط هنگامی که نیروهای جوانی و شور و نشاط آنها رو به ضعف و سستی است، اقدام به ازدواج کنند و ثانیاً پیوند ازدواج‌های موجود را سست می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۹، ۴۳۸/۱۹)

ج) احترام به زن و حفظ حرمت او

آیه ۵۹ سوره احزاب اشاره به همین مطلب است که برای بیان ویژگی پوشیدگی زنان، از واژه «یعرفن» در جمله «ذلک ادنی ان یعرفن ولا یوذین» استفاده می‌کند؛ یعنی پوشش، معرف شخصیت زن است و برای اینکه اهل ستر شناخته شوند، باید خود را بیوشانند. امروزه دخترانی که در اجتماع، عفت خود را حفظ می‌کنند و با پوشش اسلامی در محیط کار و اجتماع ظاهر می‌شوند، از احترام ویژه‌ای برخوردارند و افراد هرزه مزاحم آنان نمی‌شوند. این سخن به آن معنا نیست که اگر کسی واجد پوشش اسلامی نبود، زنی بی‌عفت است. پوشش، نشانه پاک‌دامنی است و زنی که این‌گونه حضور می‌یابد، خود را در شمار زنان عفیف معرفی می‌کند. زن مسلمان، با حجاب خود جلوی شهوترانی مردان و نگاه‌های آلوده آنان را می‌گیرد. حفظ پوشش، احترام به زن و محفوظ نگه داشتن او از نگاه‌های شهوانی و حیوانی بیمار دلان است.

د) جواز حضور زن در اجتماع

اسلام با مقرر کردن پوشش برای زنان، جواز حضور آنان را در اجتماع رقم زده است؛ زیرا اگر برای زنان جایز نبود که در اجتماع حضور پیدا کنند، وجوب حجاب لغو بود. دقت در این مطلب، نشان می‌دهد که حصار دانستن حجاب برای زن، چه اندازه بی‌پایه و اساس است. حجاب عامل آزادی زن و حضور او در اجتماع است و نه زمینه اسارت او. شهید مطهری می‌نویسد: «حکم حجاب برای زن، به معنای پرده‌نشینی نیست. بلکه به معنای حفظ شخصیت و پوشش اندام تحریک‌آمیز او در برابر بیگانگان می‌باشد». (مطهری، ۱۳۷۹، ۴۵۰/۱۹)

حد و مرز وجوب پوشش برای زنان در قرآن و سنت

نخستین سفارش اسلام به زنان، رعایت حجاب است که در چند آیه مطرح شده است. در آیه ۳۱ سوره نور می‌خوانیم:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبَعُولَتِهِنَّ...
ای پیامبر، به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را به جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نسازند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود بیفکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نکنند، مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا... .

در آیه ۵۹ سوره احزاب نیز آمده است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلزَّوْجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.
ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمن بگو جلباب‌های (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فروافکنند و این کار، برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است. (اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آنها سرزده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

تفسیر آیه ۳۱ سوره نور

کلمه «ابداء» به معنای اظهار است و مراد از زینت زنان، مواضع زینت است؛ زیرا اظهار خود زینت از قبیل گوشواره و دستبند، حرام نیست. پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل آنها است. خداوند متعال از این حکم، آنچه را که ظاهر است، استثنا کرده است و در روایات آمده که مقصود از آنچه ظاهر است، صورت و دو کف دست و قدم‌ها می‌باشد. (موسوی، ۱۳۷۴، ۱۵۶/۱۵) در تفسیر جوامع الجامع آمده است:

زینت چیزی است که زن خود را به آن می‌آراید، از قبیل زیورآلات یا سرمه کشیدن و یا خضاب کردن و غیر این‌ها و زینت بر دو قسم است؛ زینت ظاهری و

زینت باطنی و گفته‌اند پوشاندن زینت‌های ظاهری واجب نیست.
 زینت باطنی مثل خلخال پا و دست‌بند و گردن‌بند و گوشواره، اما زینت باطنی واجب است که پوشانده شود و جز برای کسانی که استثنا شده‌اند، برای دیگران نباید اظهار شود.

... «ولاییدین زینتهین» ذکر زینت بدون موارد آن به خاطر مبالغه در امر ستر و پوشش است؛ زیرا این زینت‌ها در جاهایی از بدن قرار دارد که برای غیر اشخاص مورد ذکر، جایز نیست به آنها نگاه کنند. (طبرسی، ۱۳۷۷، ۴/۳۰۵)

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ شخصی که از زینت ظاهری زن پرسید، پاسخ داد: «صورت و دو دست». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۰/۲۲۰) در اینجا به مواضع زینت اشاره دارد، و گرنه ذات اشیای زینتی نه ظاهرند و نه باطن.

زمخشری در تفسیر کشاف می‌نویسد:

زینت عبارت از چیزهایی است که زن خود را بدان‌ها می‌آراید، مانند زیورآلات و سرمه و خضاب که آشکار کردن آنها مانعی ندارد، اما زینت‌های باطن مثل بازوبند، گردن‌بند، کمربند و... که باید پوشانده شود، مگر از افرادی که در آیه استثنا شده است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ۳/۲۳۰)

سپس به فلسفه استثنای زینت‌های ظاهر مثل سرمه، خضاب و محل آنها؛ یعنی چهره و دست‌ها می‌پردازد و می‌گوید فلسفه‌اش این است که ستر این‌ها، بر زن حرج است و مشقت دارد. زینت را هرگونه که معنا کنیم، معلوم می‌شود که زن، موظف است زینت‌های پنهان خود را آشکار نکند و در مورد زینت‌های ظاهری وظیفه‌ای ندارد. «ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن».

«خُمَر» به معنای پوشاندن است و شراب را به آن دلیل که عقل را می‌پوشاند، خمر گویند. اصل خمر به معنای پوشانیدن چیزی است و به آنچه با آن چیزی را می‌پوشانند، «خمار» گویند، ولی در تعاریف، «خمار» مخصوص شده به آنچه زن، سر خود را با آن می‌پوشاند و جمع آن «خُمَر» است. (قاموس قرآن) بنابراین، معنای این بخش از آیه این است که زنان، روسری‌های خویش را بر گریبان‌های خویش بزنند. جیب به معنای قلب و سینه است. «ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن»؛ یعنی چارقد‌های خود را به سینه خویش بزنند. (قاموس قرآن)

طبری در تفسیر مجمع البیان می گوید: «قبلاً روسری‌ها را به پشت می‌انداختند و سینه آنها آشکار بود. به این جهت دستور داده شد که روسری‌ها را بر روی سینه‌ها افکنند که گوشواره‌ها و گردن‌ها و سینه‌ها پوشیده بماند». (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۱۳/۷)

در این آیه، به پوشش سر و گردن اشاره دارد و زنان برای حضور در اجتماع و ارتباط با نامحرم موظف‌اند که افزون بر پوشاندن سایر اعضا، سر و گردن و گریبان را که مهم‌ترین قسمت بدن زن و محل تجمع زیبایی‌های طبیعی و مصنوعی اوست، بپوشانند.

تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می گوید:

جلایب، جمع جلباب است و آن، جامه‌ای است سراسری که تمام بدن را می‌پوشاند و منظور از جمله «پیش بکشند، مقداری از جلباب خود را» این است که آن را طوری بپوشند که زیر گلو و سینه‌هایشان در انتظار ناظرین پیدا نباشد. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۵۰۹/۱۶)

«ذلک اذنی آن یعرفن فلا یؤذین»؛ یعنی پوشاندن همه بدن به اینکه اهل عفت و حجاب و صلاح و سداد شناخته شوند، نزدیک‌تر است. در نتیجه اذیت نمی‌شوند و اهل فسق و فجور، متعرض آنان نمی‌گردند. زمخشری در کشاف می‌نویسد که جلباب، لباس وسیعی است که از مقنعه بلندتر است و عبا نیست که زنان بر سر می‌اندازند. «جلایب جمع جلباب و هو ثوب واسع اوسع من الخمار و دون الرداء تلویة المراء علی راسها و تبقى منه ما ترسله علی صدرها». (بابی، ۱۳۸۰)

شهید مطهری در این مورد می‌نویسد:

کسانی که پوشش وجه و کفین را واجب می‌دانند، باید استثنای «الا ما ظهر منها» را منحصر بدانند به لباس رو و واضح است که حمل استثنا بر این معنا، بسیار بعید و خلاف بلاغت قرآن است. مخفی داشتن لباس رو به علت اینکه غیر ممکن است، احتیاج به استثنا ندارد. (مطهری، ۱۳۷۹، ۵۱۲/۱۹)

خلاصه اینکه از سخنان مفسرین و دانشمندان اسلامی استفاده می‌شود که زن، برای حضور در اجتماع، باید تمام بدن خود را بپوشاند، مگر وجه و کفین که استثنا شده است.



نظر فقیهان درباره پوشش زن

نظر حضرات آیات، اراکی، فاضل لنکرانی و مکارم شیرازی چنین است: «واجب است تمام بدن زن، به جز قرص صورت و دست‌ها تا مچ از نامحرم پوشیده شود». (طباطبایی، ۱۴۱۶هـ). شیخ طوسی نیز می‌فرماید: «خداوند سبحان زنان را دستور داد تا مقنعه بزنند، برای آنکه شناخته شوند، اما مورد آزار قرار نگیرند». (طوسی، ۱۴۱۳، ۴۳۰/۷)

تذکر چند نکته در این اینجا لازم است:

یک) پوشاندن وجه و کفین تا مچ واجب نیست، مشروط بر اینکه بدون آرایش باشد. در غیر این صورت باید آن را نیز از نامحرم پوشاند.

دو) لزوم پوشش زنان، برای زمانی است که زن از خانه خارج شود و در اجتماع که محل حضور نامحرمان است، قرار گیرد و نه همه جا. قرآن پس از مطرح کردن موضوع پوشش و نگاه، بی‌درنگ می‌فرماید: «إِلَّا لِبَعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بَعُولَتِهِنَّ...؛ زینت خود را آشکار نکنند... مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان...».

چادر؛ کامل‌ترین پوشش

در مورد اینکه پوشش زن چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد، در قرآن و روایات مطلبی نیامده است؛ زیرا اسلام، حکم را بیان می‌کند و تعیین موضوع با عرف است. بنابراین نوع پوشش، با توجه به فرهنگ ملت‌ها و کشورها متفاوت است. کشورهای اسلامی، اگرچه با پوشش موافق‌اند، ولی در چگونگی و نحوه آن با هم تفاوت دارند و از لباس‌های مختلفی برای پوشش استفاده می‌کنند. بهترین پوشش، آن است که هدف شارع مقدس را تأمین کند و باید چند شرط داشته باشد.

شرط اول؛ لباس زن باید پوشاننده تمام بدن (به جز دست‌ها و صورت) باشد و لباس مرد باید «قبل» و «دبر» را بپوشاند.

شرط دوم؛ لباس نباید شهوت‌انگیز باشد. گاهی زنانی در اجتماع حضور پیدا می‌کنند که لباسشان به مقدار حد شرعی پوشاننده، ولی تحریک‌آمیز است.

شرط سوم؛ لباس نباید بدن نما باشد؛ یعنی نباید نازک و تنگ باشد تا بدن از زیر آن نمایان شود. امام علی علیه السلام می فرماید:

علیکم بالصفیق فان من رق ثوبه رق دینه؛ بر شما لازم است لباس ضخیم. همانا کسی که لباس نازک بپوشد، دینش نیز نازک است. (مجلسی، ۵۱۴۰۴،

(۱۸۳/۸۳)

عایشه نقل می کند که زنی با لباس نازک وارد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روی خود را از او برگرداند. علت را پرسیدم، فرمود: «زن وقتی به سن بلوغ رسید، نباید اندامش دیده شود، مگر این و این» که اشاره به صورت و دست ها کرد. سپس فرمود «هر زنی که مقنعه خود را از سرش در غیر خانه شوهرش بردارد، حجاب را رعایت نکرده است». (نوری، ۵۱۴۰۸، ۲۸۰/۱۴)

شرط چهارم؛ لباس نباید ویژه کفار باشد. اسلام، پیروی از کفار را در ظواهر زندگی ناپسند دانسته است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ عزت از آن خدا و پیامبر و مؤمنین است». (منافقون: ۸) و جای دیگری می فرماید: «... وَلَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سِیلًا؛ ... و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است» (نساء: ۱۴۱). امام صادق علیه السلام فرمود:

... قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِهِ وَلَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِهِ وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِهِ فَتَكُونُوا أَعْدَائِهِ كَمَا هُمْ أَعْدَائِهِ.

خداوند به یکی از پیامبران وحی کرد که به مؤمنان بگو در لباس، خوراک و آداب و رسوم، دشمنان خدا را سرمشق قرار ندهند که اگر چنین کنند، آنها هم دشمنان خدا محسوب می گردند». (حرعاملی، ۵۱۴۰۹، ۳۸۵/۴)

شرط پنجم؛ لباس نباید لباس شهرت باشد؛ یعنی استفاده از آرایش و لباسی که موجب انگشت نما شدن در میان مردم باشد، ممنوع است. (طباطبایی حکیم، ۵۱۴۱۶، ۲۳۹/۵) پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا مَشْهُورًا مِنْ الثِّيَابِ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ کسی که لباس شهرت بپوشد، خداوند روز قیامت از وی روی برمی گرداند».

شرط ششم؛ زن و مرد باید لباس مخصوص خود را بپوشند. لباس زن نباید شبیه به مردان باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ؛ خداوند مردهایی را که شبیه زنان شده اند و همین طور زن هایی را که شبیه مردان

هستند، لعنت کرده است». (علامه مجلسی، ۱۴۰۴هـ، ۲۵۸/۱۰۳)

شرایط دیگری نیز وجود دارد، مانند اینکه لباس مرد نباید از ابریشم یا طلا باشد و... که به این بحث مربوط نیست. با تمام این شرایط، چادر پوشش کاملی است که اهداف شارع مقدس را برای پوشش دارا می‌باشد؛ زیرا چادر، پستی و بلندی بدن را می‌پوشاند.

۲. عدم اختلاط

در جوامع امروزی، اختلاط زن و مرد، نه فقط مورد تردید قرار گرفته، گاهی نیز ارزش به شمار می‌آید و پرهیز از آن، ناپسند است. جدا کردن زن و مرد، از دستورات صریح قرآن و آموزه‌های روح‌بخش اسلام است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بعدوا بین انفس النساء و انفس الرجال؛ در عرصه عمومی میان زنان و مردان فاصله بیفکنید». (کاشف الغطاء، بی‌تا، ۲۷۹/۱) یکی از محیط‌هایی که شیطان در آن نفوذ می‌کند، محل اختلاط زن و مرد نامحرم است. در مورد روابط زن و مرد چند نظریه وجود دارد که بررسی می‌شود.

الف) ارتباط آزاد

برخی معتقدند ارتباط زن و مرد نباید محدود باشد؛ زیرا حساسیت به وجود می‌آورد و آنها حریص‌تر می‌شوند. در نقد این دیدگاه باید گفت که تجربه ثابت کرده است در کشورهای غربی که محدودیتی برای ارتباط وجود ندارد، این‌گونه نیست و آتش شهوت آنان خاموش نشده است. در آنجا آثار روابط نادرست جنسی مانند فحشا و سقط جنین و... روزبه‌روز بیشتر می‌شود. شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته‌اند تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع آنهاست. آنها چون یک طرف قضیه را خوانده‌اند، توجه نکرده‌اند که همان‌طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می‌کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات درآوردن، آن را دیوانه می‌سازد. به عقیده ما برای آرامش غریزه دو چیز لازم است؛ یکی ارضای غریزه در حد حاجت طبیعی، دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن. انسان از لحاظ حوایج طبیعی مثل چاه نفت است که تراکم و تجمع گازهای داخل آن، خطر انفجار را به وجود می‌آورد. در این صورت باید گاز آن را خارج کرد و به آتش

اگر بپرسند خرید کردن زن، هر چند فروشنده مرد باشد، حرام است؟ پاسخ می‌دهند حرام نیست... فقط دو مسئله وجود دارد؛ یکی اینکه پوشیده باشد و بیرون رفتن به صورت خودنمایی نباشد و دیگر اینکه مصلحت خانوادگی ایجاب می‌کند که خارج شدن زن از خانه با اجازه شوهر باشد. (مطهری، ۱۳۷۱، ۱۰۲)

توصیه اسلام به زنان این است که با مرد نامحرم کمتر اختلاط داشته باشند. اختلاط زن و مرد نامحرم، به ویژه اگر زن، آرایش کرده باشد، در اخلاق، ارزش منفی دارد. با مروری بر آیات و روایات می‌توان به اهمیت ارتباط زن و مرد در دین اسلام پی برد.

شواهد قرآنی

خداوند در سوره احزاب آیه ۵۳ می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ۚ وَهَرَّاهُ مِنَ الزَّانِ بِمَا يَمِيرُ بِشَيْءٍ خَوَّاسْتِيدٍ، از پشت پرده طلب کنید». این آیه تصریح به نداشتن اختلاط زن و مرد دارد. بعضی از مفسران، آیه را مربوط به همسران رسول خدا می‌دانند و بعضی دیگر معتقدند ذکر خاص مخصص نمی‌شود. قرآن، در آنجا که داستان دختران حضرت شعیب علیه السلام را نقل می‌کند، به این ویژگی که دوری از نامحرم را رعایت می‌کردند، اشاره می‌کند. توضیح اینکه وقتی حضرت موسی علیه السلام به چاه مدین رسید، دید چوپانان مشغول دادن آب به گوسفندان اند، ولی دو دختر در کناری ایستاده‌اند و نزدیک چاه نمی‌شوند. وقتی نزد آنها رفت، گفتند: «لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يَصْدُرَ الرَّعَاءُ؛ ما به گوسفندانمان آب نمی‌دهیم تا اینکه چوپانان آب دهند و بروند». موسی کار آنان را تأیید کرد و خودش گوسفندان آنان را آب داد.

شواهد روایی

یکم) امام علی علیه السلام فرمود: «اختلاط و صحبت با نامحرم، سبب نزول بلا و بدبختی خواهد شد و دل‌ها را منحرف می‌کند». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱، ۱۲۶/۱۳)

دوم) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ كَانَ يَوْمًا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبِيتُ فِي مَوْضِعٍ يَسْمَعُ نَفْسَ امْرَأَةٍ لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ؛ کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، در جایی نمی‌خوابد که نفس زن نامحرم به او برسد». (مجلسی، ۵۱۴۰۴، ۳۵۰/۱۰۱)

سوم) حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «أما تستحيون ولا تغارون نساؤكم يخرجن إلى الأسواق ويزاحمن العلوج؛ آیا حیا نمی‌کنید و غیرت ندارید که زنانتان به بازار روند و مورد مزاحمت مردان قرار گیرند». (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۰، ۲۳۶)

و در جای دیگر می‌فرماید: «يا اهل العراق، نبئت ان نسائك يدافعن الرجال في الطريق اما تستحيون؛ ای مردم عراق؛ باخبر شدم که زنان شما در بازار تنه به تنه مردان می‌زنند. آیا شرم ندارید؟» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۵، ۲۳۵)

چهارم) امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که حضرت فرمود: «ليس للنساء من سرات الطريق شي ولكنها تمشي في جانب الحائط و الطريق؛ شایسته نیست برای زنان که از وسط حرکت کنند و باید از کنار دیوار حرکت کنند». (کلینی، ۱۳۶۵، ۵/۵۱۸)

کارشناسان بر این باورند که جداسازی دختر و پسر در محیط‌های آموزشی، آثار مثبتی دارد و موجب سلامتی جسمی و روحی آنان می‌شود. بین دختر و پسری که در یک کلاس، درس می‌خوانند، روابط عاطفی سطحی به وجود می‌آید و توان ذهن و اندیشه آنها، معطوف به آن می‌شود. به گفته شهید مطهری: «اگر در دانشگاه‌های ما، دختران جدا از پسران درس بخوانند، بهتر است یا در کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده باشد؟» (مطهری، ۱۳۷۱، ۹۳)

۳) دوری از تبرج

سومین شرط از شرایط حضور زنان در اجتماع، دوری از تبرج است. قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ در خانه‌هایتان بمانید و همچون دوران جاهلیت نخست (با آرایش میان مردم) ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید». (احزاب: ۳۳)

تبرج در کتاب‌های لغت چنین تعریف شده است: «اظهار المرأة زينتها و محاسنها للرجال و تبرجت المرأة اظهار وجهها؛ تبرج به معنای ظاهر کردن زن زینت‌ها و زیبایی‌هایش برای مردان است». (ابن منظور، بی‌تا)

تبرج، عنوانی کلی است و نمودهایی دارد که یکی از این نمودها به رفتار زن برمی‌گردد. نمود دیگر به نحوه پوشش زن و دیگر، به شیوه راه رفتن او مربوط می‌شود. گاهی زن، پوشیده و با چادر است، ولی چادر او مصداق تبرج است یا کفش‌هایی به پا دارد که مصداق تبرج

است. بنابراین، هرگونه خودنمایی و تبرج از نظر اسلام ممنوع است و از آن نهی شده است. اسلام گرچه به آراستگی ظاهر اهمیت می‌دهد، ولی با این آراستگی که برای غیر محارم باشد و سبب فحشا و تزلزل خانواده‌ها شود، مخالف است.

۴) دوری از خلوت با نامحرم

پیش‌تر نیز گفته شد که اسلام به موضوع محرم و نامحرم اهمیت فراوانی داده است. گاهی در ادارات و مراکز اقتصادی و فرهنگی، مرد و زنی نامحرم با هم تنها می‌مانند و گاه مانند بعضی فروشگاه‌ها، درب را می‌بندند و برای رسیدگی به اموری چون حسابرسی، با هم خلوت می‌کنند. آیا این کار صحیح است؟ پاسخ این سؤال را از زبان امامان معصوم علیهم‌السلام بررسی می‌کنیم.

روایات

الف. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «لا یُخلَوْنَ رجلٌ بامرأةٍ فان ثالثها شیطان؛ خلوت نمی‌کنند زن و مردی، مگر اینکه شیطان نفر سوم آنها است». (محدث نوری، ۱۴۰۸هـ، ۲۶۷/۱۴)

ب. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده که شیطان به موسی گفت:

اوصیک بثلاث خصال یا موسی لا تخل بامرأة ولا تخل بک فانه لا یخلو رجل بامرأة ولا تخلوه الا کنت صاحبه من دون اصحابی.

ای موسی تو را به سه صفت سفارش می‌کنم؛ ... نه تو با زنی خلوت کن و نه او با تو خلوت کند که هیچ مرد و زنی با هم خلوت نکنند، مگر اینکه من خودم همدم آنان هستم، نه یاران من. (محدث نوری، ۱۴۰۸هـ)

ج. امام علی علیه‌السلام فرمود:

قال ثلاثة من حفظهن کان معصوما من الشیطان الرجیم و من کل بلیه من لم یخل بامرأة ...

هر کس سه چیز را رعایت کند، هم از شیطان در امان است و هم از هر بلائی. یکی از آنها این است که با زن نامحرم خلوت نکند. (محدث نوری، ۱۴۰۸هـ، ۲۶۵/۱۴)

د. امام علی علیه‌السلام فرمود:

انه قال اخذ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم البیعة علی النساء ان لا ینحن و لا یخمشن و لا یعقدن

مع الرجال فی الخلاء.

رسول خدا ﷺ از زنان بیعت گرفت که نوحه سرایی نکنند و صورت هایشان را مجروح نکنند و در خلوت با مردان نامحرم نشینند. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۲۵۶/۱۴)

هـ قطب الراوندی در لب اللباب آورده:

روی ان ابلیس قال لا اغیب عن العبد فی ثلاث مواضع اذا همَّ بصدقه و اذا خلا بامرأة و عند الموت.

روایت شده که شیطان گفته است در سه جا از بنده غایب نیستم: اول زمانی که می‌خواهد صدقه بدهد، دوم زمانی که با زنی خلوت کند و سوم هنگام مرگ. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۲۵۶/۱۴)

ز. شیخ صدوق این روایت را در من لایحضره الفقیه آورده است:

روي عن محمد الطيار قال دخلت المدينة و طلبت بيتا أتكراه فدخلت دارا فيها بيتان بينهما باب و فيه امرأة فقالت تكاري هذا البيت قلت بينهما باب و أنا شاب قالت أنا أغلق الباب بيني و بينك فحولت متاعي فيه و قلت لها أغلقي الباب فقالت تدخل علي منه الروح دعه فقلت لا أنا شاب و أنت شابة أغلقيه قالت اقعد أنت في بيتك فلست آتيك و لا أقربك و أبت أن تغلقه فأتيت أبا عبد الله ع فسألته عن ذلك فقال تحول منه فإن الرجل و المرأة إذا خليا في بيت كان ثالثهما الشيطان. (طوسی، ۱۴۰۶، ۲۵۲/۳)

محمد بن طیار روایت می‌کند که روزی در مدینه دنبال اطاق می‌گشتم که اجاره کنم. وارد خانه‌ای شدم که دو اطاق داشت. در یکی از آنها زنی زندگی می‌کرد. بین دو اطاق دری وجود داشت. به زن گفتم: «بین این دو اطاق دری است و من و تو جوان هستیم و صلاح نیست». گفتم: «اجاره کن! من درب را باز نمی‌کنم». پذیرفتم و وسایلم را به آنجا بردم. بعد از مدتی درب را باز کرد و گفت: «می‌خواهم نسیم بیايد». گفتم: «من و تو جوان هستیم». گفتم: «تو در اطاق خودت باش، من هم در اطاق خودم هستم». خدمت امام صادق علیه السلام آمدم و جریان را گفتم. گفتم: «آیا می‌توانم آنجا بمانم؟» حضرت فرمود: «از آنجا برو؛ زیرا مرد و زنی در مکانی خلوت نمی‌کنند، مگر اینکه شیطان نفر سوم آنها می‌باشد».



در روایات، از خلوت کردن با نامحرم نهی شده است، ولی چون بعضی از فقها در سند و دلالت روایات خدشه کرده‌اند، حکم به حرمت نداده‌اند و حمل بر کراهت کرده‌اند: «ممایکن حمله علی الکراهة، بل لعل المنساق منها ذلک فان السان لسانها و لا شهره محققه للافحاب». (نجفی، بی تا، ۳۴۴/۳۲)؛ «و فيه انه لا دلالة فی شی من تلك الاخبار علی حرمة الخلوة مع الاجنبیه». (خویی، بی تا، ۲۱۷/۱)

خلاصه بحث

از نظر قرآن و سنت، حضور زنان باید حضوری سالم باشد. از این رو، قوانینی برای حضور آنان و شرایطی برای تعامل آنان با مردان وضع شده است. اسلام در زمینه چگونگی برخورد با نامحرم، احکامی را برای زنان صادر کرده است تا در سایه این احکام، جامعه اسلامی از گزند انحرافات و مفاسد، سالم بماند؛ احکامی مانند پوشش، عدم اختلاط، عدم خلوت با نامحرم و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). *لسان العرب*. بیروت: دارالحياء التراث العربی.
۲. ابی داود، سلیمان بن الأشعث. (بی تا). *سنن ابوداود*. بی جا: مؤسسه الرساله.
۳. بابری، داراشکوه. (۱۳۸۰ ش). *مجمع البحرین*. تصحیح محمدرضا جلالی نائینی. تهران: سخن.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت.
۵. خویی، ابوالقاسم. (بی تا). *مصباح الفقاهة*. بی جا: بی نا.
۶. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ ق). *تفسیر کشاف*. بیروت: دارالکتب العربی.
۷. صدر، محمدباقر. (۱۴۱۲ ق). *دروس فی علم الاصول*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۸. طباطبایی حکیم، سیدمحسن. (۱۴۱۶ ق). *مستمسک عروة الوثقی*. قم: موسسه دارالتفسیر.
۹. طباطبایی، علامه محمدحسین. (۱۳۷۴ ش). *تفسیر المیزان*. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: انتشارات اسلامی.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). *مجمع البیان*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷ ش). *تفسیر جوامع الجامع*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۶ ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: بنیاد فرهنگ اسلامی.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ ق). *تبیان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه المدرسین.
۱۴. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر. (بی تا). *کشف الغطاء*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ ش). *کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۱ ش). *میزان الحکمه*. قم: دارالحديث.
۱۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱ ش). *مسأله حجاب*. قم: صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹ ش). *مجموعه آثار*. قم: صدرا.
۲۰. نجفی، محمد حسن بن باقر. (بی تا). *جواهر الکلام*. بیروت: دار احیاء التراث.
۲۱. نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه ال البيت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

فصلنامه‌ای در عرصه مطالعات زنان و خانواده